

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیاده‌سازی

### مبحث نیت (ص ۲۱۱ف۳ - ص ۲۱۱ف۵)

🌸 نیت شرط است، کفش جفت کردن و بالاترین کارها یکی است. ارزش کاری بالاتر است که از نیت خالص‌تر و صادقانه‌تری برخاسته باشد.

این هم خیلی مهم است. چیزی که به عمل ارزش و عیار می‌بخشد نیت است. ظاهر عمل اصلاً مهم نیست. الآن در این مجلس بنده را این بالا نشانده‌اند و سر شما را درد می‌آورم. دوستی هم از راهرو بالا می‌آید و می‌بیند کفش‌ها نامنظم است، ایستاده و کفش‌ها را مرتب می‌کند. خدا شاهد است، معلوم نیست، کدام ما بزرگ‌تریم؟ گاهی من به آنها غبطه می‌خورم. قسم خوردم خلوصی که در آنها می‌بینم، در خودم نمی‌بینم. در دستگاه خدا ظاهر عمل را خیلی نبینید، به بزرگی ظاهر عمل چشم ندوزید، به خلوص عمل نگاه کنید؛ لذا اگر عملی سر راهتان آمد نگویید این کار چیست؟ می‌روم کار مهمتری انجام می‌دهم. نه، همان عملی را که خدا سر راهت قرار داده انجام بده، به خاطر کوچکی‌اش عمل را از دست نده؛ منتهی سعی کن خالص انجام شود. همت خود را در خالص کردن نیت بگذار. هر چه نیت خالص‌تر، عمل بزرگ‌تر. عظمت عمل به نیت است نه به ظاهر عمل. خلوص نیت هم میوه‌ی معرفت است. هر چه انسان معرفت بلندتری داشته باشد نیت خالص‌تری خواهد داشت. اگر ناخالصی در نیت‌هاست به این دلیل است که معرفت‌ها گیر دارد. اگر من به این معرفت و شناخت رسیده باشم که در این عالم غیرخدا احدی کاره‌ای نیست، عملم را به دیگران نشان نمی‌دهم. مثلاً دیگران دیدند برای من چه کار می‌توانند بکنند؟ جبریل به پیغمبر اکرم ﷺ عرض کرد: «أَنْ

المخلوق لا يضر ولا ينفع ولا يعطي ولا يمنع» خلق ضرر و نفعی به انسان نمی‌توانند برسانند، چیزی به انسان نمی‌توانند بدهند و مانع رسیدن چیزی به انسان هم نمی‌توانند بشوند. «وَ اسْتِغَالُ الْيَأْسِ مِنَ الْخَلْقِ»<sup>۱</sup> انسان کلاً از خلق یأس پیشه کند. اگر کسی به این معرفت و شناخت رسیده باشد عملش را به دیگران نشان می‌دهد که چه بشود؟ آدم عاقل برای نتیجه کار می‌کند. دیگران عمل مرا دیدند، نتیجه‌اش چه شد؟ چه فایده‌ای برای من داشت؟ عملی که فایده ندارد، انجام نمی‌دهم. اگر معرفت کامل باشد، نیت خالص می‌شود. یکی اینکه بدانم و دیگر اینکه دانسته‌ی خود را باور کرده باشم و به آن ایمان داشته باشم. معرفت شناختی است که به باور و یقین تبدیل شده باشد. اگر کسی به این یقین برسد، عملش خالص می‌شود. خلوص نیت میوه‌ی معرفت است. انسان باید همتش را روی خالص‌تر کردن نیت بگذارد. در دستگاه خدا ظاهر عمل اصلاً ملاک نیست. چه بسیار کسانی که ظاهراً اعمال خیلی عظیمی انجام می‌دهند؛ اما حسرت کسانی را می‌خورند که اعمال ظاهراً بسیار کوچکی انجام می‌دهند. دنبال خلوص نیت برویم. خدا یاریمان کند در کارها نیت‌هامان را خالص و خدایی کنیم.

🌸 با دل و نیت کار کن. دلت را تمیز کن و نیتت را اصلاح و خالص کن. یک شب خوبان خدا را با نیت به خانه‌ی دلت مهمان کن. اوایل با خیال و خواب و مکاشفه راه می‌رویم و آخر کار از معاینه و یقین سر در می‌آوریم.

این امر بزرگ و مهمی در سلوک الی‌الله است. خیلی دنبال این نرو که ذکر بگویی، نماز بخوانی و چله‌نشینی کنی؛ خیلی وقت صرف حجم عمل نکن. عمده‌ی اهتمامت را برای خالص کردن عمل بگذار. این روایت را برایتان نقل کرده‌ام ظاهراً از امام صادق علیه السلام است که ذیل آیه‌ی: «خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحَيَاةَ لِيُنَلِّمَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>. حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۹۴ و مجلسی، بحار، ج ۶۸، ص ۱۳۸ و محدث‌نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۱۸.

<sup>۲</sup>. سوره‌ی مُلک، آیه‌ی ۲.

خدای متعال مرگ و زندگی را آفرید. چرا گفته «خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحَيَاةَ» اول موت بعد حیات را آفرید. فکر کنیم بینیم چیزی گیرمان می‌آید؟ نگفت: «خَلَقَ الْحَيَاةَ وَ الْمَوْتَ» چرا خدا موت و حیات را آفرید؟ «لِيُنَلِّمَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» تا بیازماید کدامیک از شما نیکو کردارترید. یادتان است حضرت فرمودند: «لَيْسَ يَعْني أَكْثَرَ عَمَلًا» منظور خدا این نبود که ببینید کدامیک از شما بیشتر عمل می‌کنید «وَ لَكِنْ أَصْوَبَكُمْ عَمَلًا» و لکن خدا می‌خواهد ببیند کدامیک از شما عمل ثواب‌تر، صحیح‌تر، بهتر و درست‌تری دارید. نه اینکه عمل بیشتری دارد. بعد فرمود: «وَ إِنَّمَا الْأَصَابَةُ»<sup>۳</sup> صحت عمل هم به نیت و صدق است. عمده‌ی تلاش را باید برای صدق نیت و خالص کردن گذاشت. یعنی هر کاری می‌خواهیم انجام دهیم، بینیم برای چه می‌کنیم. من الان پشت تربیون وقت شما را می‌گیرم، برای چه آمدم؟ ارزیابی کنم، محاسبه‌ی نفس کنم. نکند خدای نکرده سال‌ها وقت خودم و شما را بگیرم آخر هم در پیشگاه الهی سیاه‌رو باشم. برای چه می‌آیم؟ شما برای چه می‌آید؟ این عملی که ظاهراً جنبه‌ی مادی و دنیوی ندارد، همین‌ها را بسنجیم برای چه انجام می‌دهیم؟ تا کم‌کم سراغ کارهای دیگر برویم. این شغل را برای چه انتخاب کردم؟ این پست و مقام را برای چه پذیرفتم؟ این خانه را برای چه خریدیم؟ انگیزه و محرک من در خرید لباس چیست؟ این معامله را برای چه انجام می‌دهم؟ این جنس را در مغازه برای چه به کسی می‌فروشم؟ بینیم تا کجاها خدا محرک ماست؟ خدایی کار می‌کنیم؟ خیلی جا دارد جلو برویم. اگر بخواهیم به مقام توحید برسیم باید هیچ چیز غیر خدا محرک ما نباشد. خالص خالص باشیم. می‌خوریم برای خدا، می‌خواهیم برای خدا، تفریح می‌کنیم برای خدا، کار می‌کنیم برای خدا، سخن می‌گوییم برای خدا، سکوت می‌کنیم برای خدا؛ لذا فرمود: با دل و نیت کار کن. دلت را تمیز کن. نیت را اصلاح و خالص کن. خیلی دنبال زیاد عمل کردن نباش. با زیاد عمل کردن انسان به جایی نمی‌رسد، با عمل خالص انجام دادن می‌رسد. یک شب خوبان خدا را با نیت به خانه‌ی دلت مهمان کن. می‌شود این کار را کرد. با نیت می‌شود مهمانی داد. ان‌شاءالله سحرهای ماه شعبان را خیلی غنیمت بدانید و بعد

<sup>۳</sup>. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۶ و مجلسی، بحار، ج ۶۷، ص ۲۵۰ و فیض کاشانی، الوافی، ج ۴، ص ۳۷۵.

ماه مبارک رمضان است. در دل سحر، در آن خلوت نه سروصدایی است نه آمد و شدی با خدای خودتان تنهای تنهاییید. وضو می‌گیرید، سر سجاده می‌نشینید، مهمانی بگیرید، خانه‌ی دلتان مهمانخانه باشد. خدا را دعوت کنید، پیغمبر اکرم و ائمه هدی را دعوت کنید. آنها بزرگند، می‌پذیرند. خود خدا فرمود: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»<sup>۴</sup> مرا دعوت کنید دعوت شما را می‌پذیرم. خود خدا گفته او را دعوت کنید. در خانه‌ی دلمان دعوتش کنیم. بگوییم خدایا: «الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ»<sup>۵</sup> خانه، خانه‌ی توست بنده هم بنده‌ی توست. کرم نما و فرود آ که خانه‌ی توست.

پیغمبر خدا ﷺ ائمه‌ی هدی ﷺ و فاطمه‌ی زهرا ﷺ را دعوت کنید. ببینید می‌آیند. آنها بزرگند؛ عادت دارند با فقرا و کوچک‌ها بنشینند. پیامبر ﷺ فرمودند: «أَنَا مَسْكِينٌ جَالِسُ الْمَسَاكِينِ» من مسکینی هستم که با مسکین‌ها می‌نشینم. حضرت روی خاک کنار فقرا می‌نشست، گفت:

بنازم به بزم محبت که آنجا گدایی به شاهی مقابل نشیند

دیدید امیرالمؤمنین ﷺ در خرابه با آن جُزّامی می‌نشست، لقمه می‌گرفت و دهان جزّامی زمین‌گیر نابینا می‌گذاشت. آنها بزرگند و می‌آیند. نگویید: ما کجا و امیرالمؤمنین ﷺ؟ ما کجا و پیغمبر خدا ﷺ؟ ما کجا و فاطمه زهرا ﷺ؟ خودتان را محروم نکنید. آنها فقط به زور وارد نمی‌شوند. تا ما نخواهیم آنها نمی‌آیند. آنها حرمت اختیاری که به ما دادند را حفظ می‌کنند. به جبر و قهر متوسل نمی‌شوند. پشت در ایستادند، منتظرند ما تعارف کنیم. آنها منتظرند. آن قدر که ما مشتاقیم آنها هزاران بار مشتاق‌ترند. فرمود: اگر عبد من یک وجب به سمت من بیاید، من یک ذراع به سوی او می‌روم. اگر عبد من قدم‌زنان به سمت من بیاید، من دوان‌دوان به سمت او می‌روم؛ آنها مشتاق‌ترند. گفت: ما به او محتاج بودیم، او به ما مشتاق بود. آنها مشتاق‌تر

<sup>۴</sup>. سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۶۰.

<sup>۵</sup>. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۴۱۱ و حرّعاملی، وسائل‌الشیعة، ج ۱۳، ص ۳۴۵ و مجلسی، بحار، ج ۹۶، ص ۳۰۴.

از ما هستند؛ منتهی حرمت آزادی که به ما دادند را حفظ می‌کنند. به زور وارد خانه‌ی دل ما نمی‌شوند. می‌گذارند خود ما در را باز کنیم، تعارفشان کنیم، آن وقت می‌بینید چطوری وارد می‌شوند. کسی نگوید من آلوده‌ی گناهکار سیاه رو کجا و آمدن موجودات یک پارچه طهارت و نورانیت به خانه‌ی من کجا؟ این حرف‌ها محرومیت می‌آورد. بی‌خودی انسان خود را محروم نکند. صادقانه دعوت کنید بعد ببینید چه اتفاقی می‌افتد؟ یک شب، نصف شب در یک خلوتی ببیند چه می‌شود؟ یک شب خوبان خدا را با نیت به خانه‌ی دلت مهمان کن، ببین که می‌آیند؛ منتها این آمدن‌ها اوایل کم‌رنگ است بعد کم‌کم پررنگ و بالاخره صددرصد می‌شود. فرمود اوایل با خیال و خواب و مکاشفه راه می‌رویم. اول در عالم خیال می‌توانی تجسم کنی که آمدند عیبی که ندارد. همین چقدر قشنگ است. خیال‌های قشنگ، قشنگ است. همان‌طور که خیال‌های کثیف و آلوده و بد، انسان را آلوده و پلید می‌کند، خیال‌های پاک و نورانی هم انسان را نورانی و پاک می‌کند. در کتاب ره توشه‌ی دیدار اشاره کرده‌ام که اگر زائر هنوز به مرحله‌ای نرسیده که چشم دلش باز باشد که وقتی وارد حرم می‌شود وجود مقدس معصوم علیه السلام را مشاهده کند و پاسخ سلامش را از زبان معصوم علیه السلام بشنود. لااقل می‌تواند در ذهن خودش تجسم و تخیل کند. همین تجسم قشنگ است. تجسم کند حضرت ایستادند ولو با چشم ظاهر نمی‌بیند. در ذهن خودش خیال کند، تخیل کند، خیال را بیرواند، همین هم قشنگ است. خیال قشنگ هم قشنگ است. این خیال‌ها کم‌کم خواب می‌شود. در عالم رویا می‌بیند امیرالمؤمنین علیه السلام آمدند، در آغوش گرفتند و دستی به سرش کشیدند. کم‌کم از عالم رویا هم بالاتر می‌آید. بین خواب و بیداری حالت خلسه و مکاشفه‌ای دست می‌دهد و می‌بیند در باز شد و فاطمه‌ی زهرا علیه السلام وارد شدند، اباعبدالله‌الحسین علیه السلام وارد شدند، حضرت بقیه‌الله‌عجل‌الله‌تعالی‌فرجه وارد شدند. در حالت خواب و بیداری مکاشفه است. همین‌طور پله‌پله راه می‌رود و رشد می‌کند. تخیلات به رویا تبدیل شد، رویا به مکاشفه و مکاشفه به مشاهده تبدیل شد. هی پررنگ‌تر و قوی‌تر شد، اعتبارش بالاتر رفت و آخر کار از معاینه و یقین سر در می‌-

آورد. فرد همین‌طور راه برود با دلش کار کند تا ان‌شاءالله خود حقایق را بالعیان ببیند. «عَیْنَ رَبِّهِ فِي قَلْبِهِ»<sup>۶</sup> در حدیث اولی‌الالباب امام‌صادق علیه‌السلام فرمودند: بعد از این که محبِ اهل‌بیت ده منزل سلوک را طی می‌کند به جایی می‌رسد که آخر کار «عَیْنَ رَبِّهِ فِي قَلْبِهِ» اگر ربّ مطلق باشد یعنی خود ذات مقدّس ربوبیت و اگر ربّ مُضاف باشد یعنی پیغمبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم امیرالمؤمنین علیه‌السلام امام‌مجتبی علیه‌السلام اباعبدالله علیه‌السلام فاطمه زهرا علیها‌السلام و ائمه‌ی‌هدی علیهم‌السلام یعنی کسانی که صاحب ما هستند، ما را ساختند و می‌پروراندند و رشد می‌دهند. آنها ربّ ما هستند «عَیْنَ رَبِّهِ فِي قَلْبِهِ» در آینه‌ی قلبش بالمعاینه ربّ خودش را می‌بیند. پس با دل خیلی کارها می‌شود کرد. به قول شاعر: آینه شو جمال پری طلعتان طلب. این آینه را پاک کنید، تجلّی می‌کنند. در آینه‌ی دل جمال خوبان را می‌شود دید.

🌸 وقتی عمل‌ها خیلی خالص شد، دیگرهیچ مَلکی نمی‌تواند اجر و ارزش آن را بنویسد و جَفّاً - الْقَلَمُ (قلم خشک شد) می‌شود. ان‌شاءالله خدا همه را به آن منزل برساند.

وقتی نیت صددرصد خدایی شد مَلک از پس آن بر نمی‌آید؛ مثل نماز جماعت. گفتند: دو نفر شود این‌قدر اجر دارد، پنج نفر شود این‌قدر اجر دارد؛ اما اگر به ده نفر برسد چه می‌شود؟ همه‌ی ملائکه بسیج شوند، همه‌ی آب‌های دریاها، عالم مرگب شوند، همه‌ی چوب‌های درختان عالم قلم شوند و همه‌ی ملائکه بخواهند به کمک این قلم و مرگب اجر نماز جماعت ده نفری را بنویسند از پس آن بر نمی‌آیند. دیگر نمی‌شود گفت چقدر اجر دارد. اینجا قلم می‌خشکد، قلم از نوشتن می‌شکند. حالا اگر عمل خدایی باشد چقدر اجر دارد؟ ضربه‌ی امیرالمؤمنین علیه‌السلام در جنگ خندق که حضرت فرود آورد و عمروبن‌عبدود را به درک واصل کرد، یک ضربه بود «صَرْبُهُ عَلَيَّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ التَّقِيِّينَ»<sup>۷</sup> چرا فضیلت ضربت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در جنگ

<sup>۶</sup>. مجلسی، بحار، ج ۳۶، ص ۴۰۴ و خزارازی، کفایة‌الاثیر، ص ۲۵۷ و حلّی، حسن‌بن‌سلیمان‌بن‌محمد، ص ۳۲۹.

<sup>۷</sup>. سیّدین‌طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۴۶۷ و حرّعاملی، اثبات‌الهدایة، ج ۳، ص ۴۵۶ و حلّی، حسن‌بن‌یوسف‌بن‌مطهر، نهج‌الحق، ص ۲۳۴.

خندق بالاتر از عبادت ثقلین است؟ «تَعْدِلُ عِبَادَةَ الثَّقَلَيْنِ»<sup>۸</sup> نگفت معادل عبادت همه‌ی انبیا، اولیا، ملائکه، جن‌ها و انسان‌ها در طول تاریخ آفرینش از بدو خلقت تا قیام قیامت، نه معادلش نبود. این یک ضربه «أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ» بود. چرا؟ چون در آن ضربه غیر خدا هیچ چیز دیگری نبود. حالا اجر این ضربه را چه کسی می‌تواند بنویسد؟ همه‌ی ملائکه‌ی عالم اینجا اظهار عجز کردند. هیچ قلمی قدرت نگاشتن اجر این عمل را ندارد. «جَفَّ الْقَلَمُ» قلم خشکید و از نوشتن باز ایستاد. اینجا از پس نوشتن عمل بر نمی‌آید. اینجا ترازوها از کار می‌افتد. تا قبل از این اعمال را در میزان می‌گذاشتند و «وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ»<sup>۹</sup> روز قیامت موازین قسط را برپا می‌کنند، اعمال را وزن می‌کنند ببینند چه کسی عملش سنگین است؟ عمل چه کسی سبک است! «وَأَمَّا مَنْ حَقَّ مَوَازِينُهُ»<sup>۱۰</sup> چطوری «فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ»<sup>۱۱</sup> چطوری؟ این تا جایی است که اعمال قابل کشیدن باشد؛ اما جایی می‌شود که ترازوها را زمین می‌گذارند «وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ» می‌گویند هیچ ترازویی از پس کشیدن این عمل بر نمی‌آید، این عمل فوق توزین است. وقتی عمل خیلی خالص شد این‌طور می‌شود. ان‌شاءالله خدا همه‌ی ما را به این منزل برساند؛ منزلی که محرکی غیر از خدا در زندگی ما نباشد. انسان جز برای خدا نخورد، نخوابد، سخن نگوید، سکوت نکند، نجنگد و صلح نکند؛ همه چیزش خدایی شود. تمام تلاشی که در مسیر سیر و سلوک است برای رسیدن به همین است. انسان موحد کسی است که ظاهر و باطنش، همه‌ی وجودش یک دست خدایی است. اگر سالک می‌خواهد به مقام توحید برسد، چنین مقامی است؛ جایی که غیر خدا در وجودش نیست. همه‌ی آنچه غیر خدایی بود در خدا فانی شد. به مقام فانی فی‌الله و بقای بالله رسید. همه‌ی وجودش خدایی شد. راه این هم از درون است. باید روی نیت‌ها کار کنیم. نیت‌ها

<sup>۸</sup> طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۲۲ و حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، کشف‌البیقین، ص ۳۵۷ و ابن‌ابی‌جمهور، عوالی‌اللتالی، ج ۴، ص ۸۶.

<sup>۹</sup> سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۴۷.

<sup>۱۰</sup> سوره‌ی قارعة، آیه‌ی ۸.

<sup>۱۱</sup> سوره‌ی قارعة، آیه‌ی ۶.

را خالص کنیم و بهترین راه خلوص نیت معرفت است. باید سعی کرد به معرفت درست رسید. البته مبارزه با نفس، مجاهده، مراقبه، محاسبه، معاتبه و معاقبه هم می‌خواهد؛ اما معرفت کانونی‌ترین، اصلی‌ترین و مؤثرترین عامل است. ان شاء الله سعی کنیم روی خودمان کار کنیم، بشناسیم و باور بیاوریم، بدانیم و یقین پیدا کنیم تا شناختمان شناخت دقیق‌تر و صحیح‌تر و ایمانمان هم ایمان عمیق‌تر و باور ریشه‌دارتری شود.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ